

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال سیزدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۸
صفحه ۲۳ تا ۴۲

تحقق مردم‌سالاری دینی از رهگذر اقتصاد مردم‌محور در ایران مطالعه موردی: شناسایی مشکلات بخش تعاون استان اصفهان

مرجان کراری / دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا،
ایران Marjankarari@Gmail.Com

سیدجواد امام جمعه زاده / دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان Javademam@Yahoo.Com
عباس مقتدایی / استادیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران
Dr.Moghtadaie@Gmail.Com

چکیده

مردم‌سالاری دینی، از مفاهیم آرمانی انقلاب اسلامی است که اگر قرار باشد این مفهوم را به صورت مسأله محور، بررسی کنیم، یکی از مسائلی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، تحقق این نوع مردم‌سالاری از رهگذر اقتصاد مردم‌محور در ایران است. در این میان مطابق قانون اساسی، گسترش بخش تعاون، یکی از اهداف کلان و مرتبط با اندیشه انقلاب اسلامی و از وظایف حکومت اسلامی است. در این پژوهش سؤال اصلی این است که بر مبنای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، موانع فعال-ترشدن و گسترش بخش تعاون (با تمرکز بر استان اصفهان) و راهکارهای رفع آن موانع، کدامند؟ این پژوهش، تحقیقی کیفی از نوع کاربردی است که با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار تحلیل محتوا و مصاحبه، انجام شده است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش عبارتند از: عدم اجرای اسناد بالادستی و عدم حمایت از بخش تعاون به ویژه حمایت مالی و...، از جمله حیطه‌های اصلی مشکل آفرین در گسترش بخش تعاون می‌باشد.

کلیدواژه: مردم‌سالاری دینی، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، سیاستگذاری عمومی، بخش تعاونی و تعاون، اقتصاد مردم‌محور.

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۲/۰۳ تاریخ تأیید ۱۳۹۸/۰۴/۱۸

مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم کراری می‌باشد.

مقدمه

مردم‌سالاری دینی، ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم و در چارچوب مقررات الهی استوار است و در راستای حق‌مداری، خدمت‌محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی، ایفای نقش می‌کند (نوروزی، ۱۳۸۲: ۶۹). به اعتقاد صاحب‌نظران، یکی از زمینه‌های ارتقاء مردم‌سالاری دینی، ایجاد شرایط مطلوب برای تحقق اقتصاد مردم‌محور است. در اقتصاد مردم‌محور مبتنی بر نظام مردم‌سالاری دینی، همه مردم می‌توانند به معنای واقعی، متولی امور اقتصادی بر مبنای قانون باشند و تمام گروه‌های فعال اقتصادی (صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده)، به هدف‌های اقتصادی خود، دست یابند. به تعبیر دیگر، در مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی، باید بستر فعالیت اقتصادی متناسب با روحیه و انگیزه‌های اقتصادی هر فعال اقتصادی، فراهم شود (یوسفی، ۱۳۹۳: ۵۷). مردم‌سالاری دینی و تحقق حداکثری آن، از مفاهیم آرمانی انقلاب اسلامی است که اگر قرار باشد این مفهوم را به صورت مسئله‌محور، بررسی کنیم، یکی از مسائلی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، تحقق مردم‌سالاری از رهگذر اقتصاد مردم‌محور در ایران است. با عنایت به اصل ۴۴ قانون اساسی، که علاوه بر مفاهیم اقتصادی، ناظر بر مشارکت اجتماعی مردم و به حداکثر رساندن مردم‌سالاری دینی است، تقویت بخش تعاون در تحقق مردم‌سالاری، جایگاه خاصی پیدا کرده است. بخش تعاونی و تعاون به عنوان یکی از بسترهای تحقق اقتصاد مردم‌محور نقش مهمی در اقتصاد ایران به ویژه در بهبود و ارتقای سطح تولید و اشتغال دارد. در واقع، پاسخگویی به مطالبات بخش تعاون، می‌تواند به تقویت مردم‌سالاری دینی بیانجامد و چنین امری باید در روند سیاست‌گذاری عمومی و برنامه‌ریزی‌های مرتبط با آن، انجام پذیرد.

در جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های قابل توجهی برای مدیریت، برنامه‌ریزی و اجرا، متناسب با رویکردهای مبتنی بر نگرش اسلامی انجام پذیرفته، لیکن ارزیابی‌های کلی بیانگر این واقعیت است که تا رسیدن به نقطه مطلوب، همچنان فاصله وجود دارد و بالاترین متولیان و مسئولان کشور نیز به صراحت این موضوع را بیان کرده‌اند؛ به بیان دیگر، نظام ج.ا. ایران، نتوانسته است متناسب با سرعت و کیفیت جریان مردم‌سالاری سیاسی و فرهنگی، اقتصاد مردم‌محور و به طور ویژه بخش تعاون را به نحو شایسته پیش برد تا براساس آن، مدل‌های اقتصادی اجرایی را عملیاتی نماید؛ در حالی که ظرفیت چنین امری وجود دارد. پژوهش حاضر درصدد است تا با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی (رویکردهای

استقرایی) و انجام مصاحبه‌های باز و تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده و با استفاده از دیدگاه صاحب‌نظران و فعالان در بخش تعاون (استان اصفهان)، صاحب‌نظران سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته با آنها و نیز با عنایت به مؤلفه‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت که در نظام مردم‌سالاری دینی دنبال می‌شود، به بررسی موانع و مسائل پیش‌روی تعاونی‌های استانی بپردازد و از این رهگذر، راهکارهایی را به منظور تقویت تعاونی‌های استانی به مثابه یکی از وجوه اقتصاد مردم‌محور در راستای ارتقاء مردم-سالاری دینی، ارائه نماید تا بدین وسیله به دولت در فرآیند سیاست‌گذاری عمومی و برای پاسخگویی به مطالبات بخش تعاون، یاری رساند. همچنین شناخت دقیق مطالبات بخش تعاون، می‌تواند در سیاست‌های کلان ملی، قانونگذاری‌ها توسط مجلس شورای اسلامی، تدوین دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و سایر مقررات دولتی، تأثیرگذار باشد و اگر این موارد حادث شود، می‌توان یک یا چند گام در جهت دستیابی به مدل بومی و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت که نظام مردم‌سالاری دینی یکی از ارکان آن است، نزدیک‌تر شد. بهره‌مندی پژوهش حاضر از الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، بدین ترتیب است: در این پژوهش، فارغ از رویکردهای سکولاری و متناسب با دیدگاه اصول‌گرایانه حاکم بر نظام مردم‌سالاری دینی که محور آن، به رسمیت شناختن دین، به عنوان یکی از منابع شناخت است، اقدام شده و با عنایت به اینکه رهبری، یکی از ارکان اساسی نظام مردم‌سالاری دینی تبلور یافته در ج.ا.ایران است و ولی فقیه جایگاه منحصر به فردی در چنین نظامی دارد، آنچه که از سوی بالاترین مقام رسمی کشور، در سخنرانی‌ها، بیانات و یا مکتوبات ایشان مطرح شده است، مبنا قرار گرفته است. همچنین با توجه به ابلاغ «الگوی پایه» که ابلاغیه آن در مهر ۱۳۹۷ از سوی رهبری نظام، صادر شد که سرخط‌های ارائه شده آن معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی به سوی تمدن نوین اسلامی-ایرانی در نیم قرن آینده است و شامل مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر است، محققان تلاش نموده‌اند تا در چهارچوب مفاهیم این الگو، پژوهش حاضر ساماندهی شود و سه گانه عدالت؛ عقلانیت و معنویت، استخراج شد و این سه مفهوم در مجموع، زمینه‌ساز عدالت اجتماعی است و به عنوان مدل اقامه عدالت اجتماعی، ترسیم شده است. مدل یادشده به عنوان پایه و اساس پژوهش حاضر، مورد استفاده قرار گیرد که براساس آن، یکی از اجزای مقوم عدالت در جامعه که می‌تواند پیشرفت را حادث نماید، کشف و استخراج مطالبات صنفی و

پاسخگویی کارآمد، عالمانه، در زمان مناسب و با لحاظ نمودن اقتضائات و الزامات و اهداف جامعه دینی به آنهاست.

بر این اساس، در جریان تحقق مردم‌سالاری دینی و سیاستگذاری عمومی مبتنی بر رویکرد اسلامی، یکی از ضروریات چنین شیوه سیاستگذاری عمومی، شناسایی، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل مطالبات صنفی و به‌طور خاص در این مطالعه، بخش تعاون برای دستیابی به پیشرفت مبتنی بر معیارهای اسلامی است که این شناسایی می‌تواند از یک سو به روند سیاستگذاری عمومی و از سوی دیگر به تسهیل فرآیند توسعه و پیشرفت اقتصادی بر مبنای معیارهای اسلامی-ایرانی و همچنین مردم‌سالاری دینی، کمک نماید.

مفاهیم اصلی این پژوهش عبارتند از: مردم‌سالاری دینی، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، سیاستگذاری عمومی، بخش تعاونی و تعاون که در ادامه هر یک به اختصار، تعریف می‌شود:

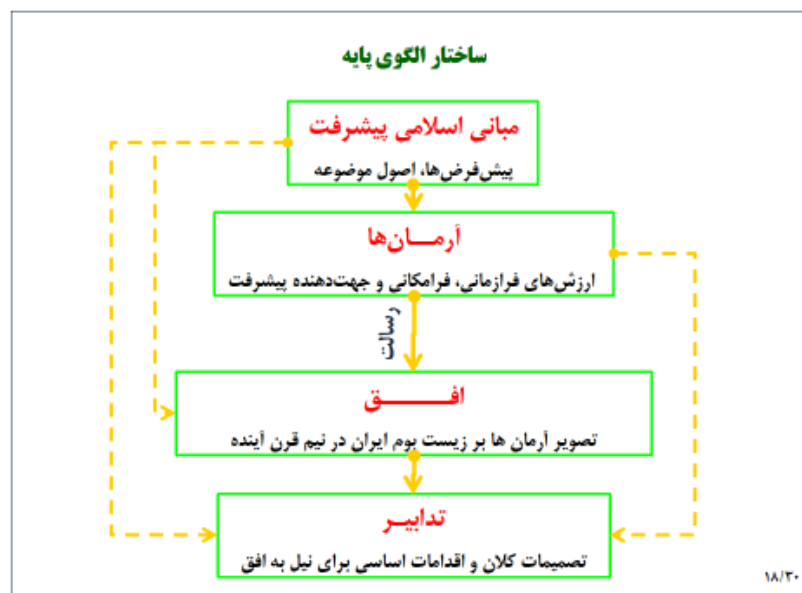
مردم‌سالاری دینی: تعاریف مختلفی از مردم‌سالاری دینی ارائه می‌شود که هر یک، بعد و یا ابعادی از این مفهوم را دارای برجستگی می‌داند. با تکیه بر مفاهیم مطرح شده از سوی رهبری نظام اسلامی در ایران و با لحاظ نمودن اسناد بالادستی نظام، این تعریف می‌تواند تعریف مناسب‌تری باشد: «مردم‌سالاری دینی، ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم و در چارچوب مقررات الهی استوار است و در راستای حق‌مداری، خدمت‌محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی، ایفای نقش می‌کند» (نوروزی، ۱۳۸۲: ۶۹). اصول مردم‌سالاری دینی عبارتند از: فضیلت‌محوری، هدایت‌محوری، حاکمیت الهی، ایمان دینی، انتخاب مردمی، آرمان‌گرایی، تکلیف‌محوری، شایسته‌سالاری، قانون‌محوری و رضایت‌مندی (مهاجرنیا، ۱۳۸۲: ۶۵).

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت: الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت عبارت است از: «نسخه-ای راهبردی که مؤلفه‌های جهان‌بینی حاکم بر تمدن اسلامی-ایرانی را ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مدلی از خرد و اندیشه ایرانی می‌باشد برای رسیدن به آرمان اسلامی» (امرائی، ۱۳۸۸: ۴۲). رهبری انقلاب اسلامی در خصوص ایرانی-بودن الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت عنوان می‌نماید که: «شرایط تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اقلیمی و جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو، تأثیر می‌گذارد... یعنی ما نمی‌خواهیم این را از دیگران بگیریم؛ ما می‌خواهیم آنچه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت

کشورمان می‌دانیم، آینده‌مان را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم. بنابراین، این الگو ایرانی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰). تا کنون این الگو، با همه جوانب آن، ارائه نشده است، لیکن در مهر ۱۳۹۷ رهبری نظام اسلامی، مواردی را تحت عنوان «الگوی پایه»، ارائه نمودند که چهارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی به سوی تمدن نوین اسلامی - ایرانی در نیم قرن آینده است.

الگوی پایه: «الگوی پایه، چهارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی به سوی تمدن نوین اسلامی - ایرانی در نیم قرن آینده است. این الگو با مشارکت گسترده متفکران و صاحب‌نظران ایرانی و براساس جهان‌بینی و اصول اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران، بر طبق روش‌های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده‌پژوهانه تحولات جهانی، طراحی شده و شامل مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر است. مبانی، اهم پیش‌فرض‌های اسلامی، فلسفی و علمی جهان‌شمول معطوف به پیشرفت را ارائه می‌دهد. آرمان‌ها، ارزش‌های فرازمانی - فرامکانی و جهت‌بخش پیشرفت است. مبانی و آرمان‌ها، وجه اسلامیت الگو را تضمین می‌کنند. رسالت، میثاق مشترک مردم و نظام ج.ا. ایران برای پیشرفت است. افق، آرمان‌های الگو را بر جامعه و زیست‌بوم ایران در نیم قرن آینده تصویر می‌کند و هدف‌های واقعی آحاد مردم، جامعه و حکومت ایران را در آن موعد، معین می‌سازد. تدابیر، تصمیمات و اقدامات اساسی و بلندمدت برای حل مسائل مهم کشور و شکوفاساختن قابلیت‌های ماندگار ملی به منظور رسیدن به افق است. این الگو با ایمان استوار و عزم راسخ و تلاش عظیم و مدبرانه مردم و مسئولان ج.ا. ایران، اجرا خواهد شد» (مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ سند الگوی پایه اسلامی - ایرانی پیشرفت ابلاغی رهبری جمهوری اسلامی ایران).

سیاست‌گذاری عمومی: سیاست‌گذاری عمومی شاخه‌ای از علوم سیاسی است که به مطالعه مجموعه اقدامات دولتی می‌پردازد. اقدامات دولت هم به‌عنوان متغیر مستقل و هم به‌عنوان متغیر وابسته می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. مجموعه اقدامات دولتی، موضوعی است که به لحاظ تنوع، بسیار وسیع است و حوزه‌هایی چون سیاست بهداشتی، سیاست کشاورزی، سیاست صنعتی و غیره را دربرمی‌گیرد (ملک‌محمدی و کمالی، ۱۳۹۵: ۲۶۹).



ساختار الگوی پایه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۷)

بخش تعاونی و تعاون: اصطلاح «بخش تعاونی» و تأکید بر اینکه یکی از پایه‌های اقتصادی کشور باشد، منحصرأ محصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و آنگونه که در مذاکرات تدوین قانون اساسی و متن اصل ۴۳، آمده است، هدف بخش تعاونی، حاکمیت انسان بر سرمایه، عدالت‌گرایی، پیشگیری از تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص و نیز جلوگیری از کارفرمایی مطلق دولت در اقتصاد ملی، بوده است (ساردوئی نسب، ۱۳۸۸: ۱۳۸). تعاون از ریشه عون در زبان عربی است و به باب تفاعل رفته است. یکی از ویژگی‌های باب تفاعل این است که بیان‌کننده کارهایی است که انجام آن نیاز به دو یا چند نفر دارد؛ یعنی مستلزم همکاری می‌باشد. آنچه را که امروزه تعاونی می‌گویند و در قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران، جای پای محکمی یافته است، برگردان واژه انگلیسی cooperation است. در زبان انگلیسی این واژه در مفهوم لغوی خویش، به همان معنی «همکاری و مشارکت» می‌باشد. در یک تعبیر کلی، تعاونی اجتماع مستقل اشخاصی است که به منظور تأمین نیازها و اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، از طریق اداره و نظارت دموکراتیک مؤسسه‌ای با مالکیت مشاء، با یکدیگر به نخواستاری توافق نموده‌اند (تعریف قابل دسترسی در سایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی).

اصطلاح تعاون و تعاونی که هم در زبان عربی و هم زبان انگلیسی و نیز مکاتب مختلف اقتصادی، مورد استفاده قرار گرفته است، یک مفهوم مشترک است که می‌تواند متناسب با نوع نگرش به اجتماع و اقتصاد، اشکال و یا اهداف متفاوتی داشته باشد. در رویکرد اسلامی، تعاون عمومی، هم‌راستا با توسعه و تحکیم برادری اسلامی بین مردم، لحاظ می‌شود؛ همانگونه که در بند ۱۵ اصل سوم قانون اساسی نیز، دولت جمهوری اسلامی ایران، موظف شده است تا برای دستیابی به اهداف اصل دوم، همه امکانات خود را به کار گیرد که از آن جمله «توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم است». در مکاتب اقتصادی و جوامع مختلف، مجموعه‌ای از اهداف را برای تعاونی‌ها، ذکر کرده‌اند. تعاونی موردنظر نظام اسلامی، می‌تواند حائز آن مختصات و ویژگی‌ها باشد؛ مشروط بر آنکه هدف اساسی از شکل‌گیری تعاونی به‌عنوان یکی از ابزارهای توسعه اقتصادی و اجتماعی که رشد انسان (اصل ۴۳ قانون اساسی) است، تأمین شود و به عبارت دیگر، موضوع تعالی در آن محقق گردد.

سؤال پژوهش

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: بر مبنای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت موانع فعال‌تر شدن و گسترش بخش تعاون (استان اصفهان) و راهکارهای رفع آن موانع، کدامند؟

پیشینه پژوهش

به طور کلی، می‌توان تعاون را از نظر اقتصادی به دو دوره تقسیم کرد: دوره اول از آغاز زندگی اجتماعی شروع می‌شود و از قرن پانزدهم میلادی به تدریج تحول می‌پذیرد تا اینکه به شکل کنونی درمی‌آید؛ و دوره دوم، با انقلاب صنعتی و انقلاب فرانسه در قرن هجدهم شروع می‌شود که دارای تعریف مخصوص به خود است. بنابراین، دوره اول را عصر تعاون اجتماعی و دوره دوم را عصر تعاون صنعتی یا علمی می‌نامند (شیرانی، ۱۳۶۸: ۲۶). با ظهور دین اسلام در اوایل قرن هفتم میلادی و آزادی قسمتی از جهان از نوعی حکومت استبدادی، بر تعاون و همکاری بسیار تأکید شده، چنانکه یکی از ویژگی‌های اساسی حاکم بر جامعه اسلامی روحیه تعاون و همکاری به‌ویژه در مسائل اجتماعی بوده است. بدیهی است که مسائل اجتماعی بسیاری از امور مسلمانان را شامل می‌شود. البته این تعاون و همکاری دربرگیرنده اموری نیست که به خیر و صلاح امت اسلامی نباشد؛ و چنین به نظر می‌رسد که آیه شریفه «تعاونوا علی البرّ و التقوی ولا تعاونوا علی الاثم و العداوان»، حجت و دلیل محکم در تأیید همین موضوع باشد، به گونه‌ای که مسلمانان را به معاضدت و همکاری با یکدیگر

در نیکی و تقوا دعوت می‌کند و از تعاون و همکاری در سایر امور به‌ویژه اموری که به گناه و دشمنی می‌انجامد، برحذر می‌دارد.

در ادامه به برخی از مطالعات پیشین صورت گرفته مرتبط با موضوع پژوهش، اشاره می‌شود:

یوسفی (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی؛ بستر تولید ملی پایدار عدالت‌محور»، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به دنبال اثبات این فرضیه بوده است که آموزه‌های اسلامی، ظرفیت لازم برای ارائه مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی جهت تأمین هدف‌های تمام گروه‌های فعال اقتصادی و نیز تولید ملی پایدار عدالت‌محور را دارند.

ساردوئی‌نسب (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «نگرشی بر مبانی نظری حقوق تعاون در ایران»، ضمن تبیین اصول و ارزش‌های بین‌المللی حاکم بر نهضت جهانی تعاون، مبانی نظریه تعاون را در ایران بررسی نموده است و به موازین اسلامی خاستگاه تعاون و جایگاه آن در قانون اساسی و سیاست‌های کلی (از جهت جنبه‌های اجتماعی و جنبه‌های اقتصادی) پرداخته است.

پهلوانی، کریم و قربانی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و نظرسنجی درباره مشکلات و توانمندی‌های بخش تعاون در استان سیستان و بلوچستان»، با استفاده از ابزار پرسشنامه، به بررسی مسائل، مشکلات و توان‌های بالقوه و تعیین وضعیت، ارائه راهکارهای ارتقای کمی و کیفی و عوامل موفقیت و ناکامی تعاونی‌های تولیدی، مصرف و خدماتی طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ در استان سیستان و بلوچستان، پرداخته است.

رشیدی (۱۳۸۱) در مقاله «تأمین اجتماعی در اقتصاد مردم‌سالار»، بیان می‌کند که اقتصاد مردم‌سالار، به این معنا نیست که حکومت فعالیت اقتصادی نداشته باشد یا در اقتصاد دخالت نکند؛ بلکه حد دخالت و حوزه دخالت دولت را خود مردم تعیین می‌کنند.

رشیدی (۱۳۷۷)، در کتاب «اقتصاد مردم‌سالار: بستر رشد جامعه مدنی»، براساس این پیش‌فرض که رقابت و آزادی اقتصادی، بستر مناسبی برای فعالیت‌های اقتصادی است، به پیدایش و تکامل نظام اقتصاد آزاد، مقدمات و ضروریات آن اشاره می‌کند و علت شکاف پدیدآمده بین انتظارات و عدم تحقق‌یافتن بسیاری از پیش‌بینی‌های مربوط به مشارکت و دخالت مردم در امور اقتصادی را عدم استقرار اقتصاد آزاد در جامعه می‌داند.

طوسی (۱۳۷۲) در مقاله «پیوندهای مردم‌سالاری دینی و رشد اقتصادی» تأکید می‌کند که دخالت کمتر دولت در اقتصاد، مرجح است.

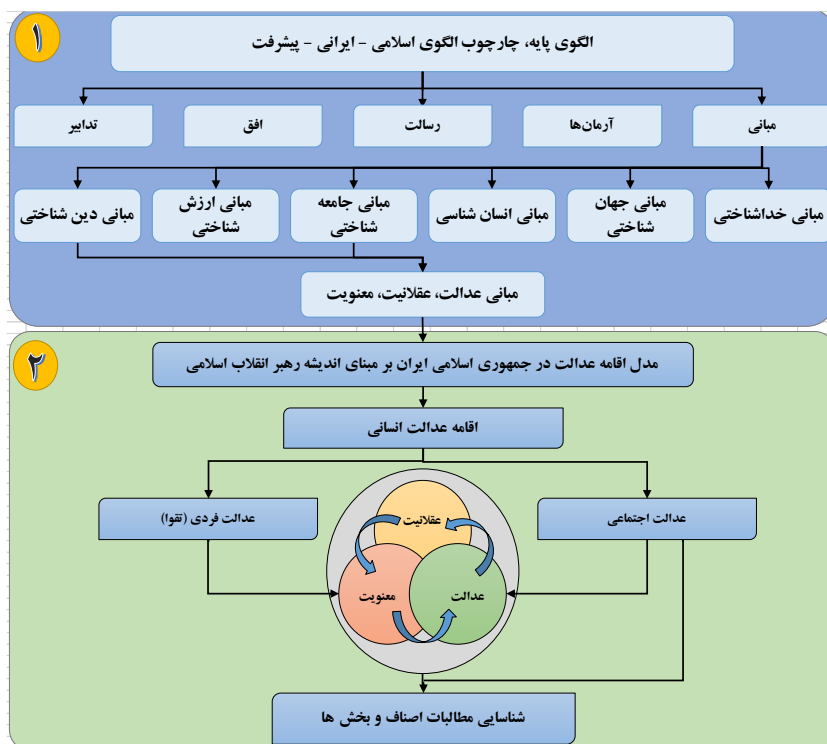
روش پژوهش

این مطالعه به لحاظ هدف، پژوهشی کیفی از نوع کاربردی است که در آن، محقق برای دستیابی به هدف تحقیق، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده می‌نماید. برای دستیابی به اهداف تحقیق، تعداد ۴۰ نفر از افراد فعال در حوزه تعاونی در استان اصفهان و همچنین فعالان بخش اقتصاد و سیاستگذاری عمومی، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شدند؛ بدین ترتیب که افراد شناخته‌شده‌ای که می‌توانستند در دستیابی به اهداف موردنظر، محقق را یاری کنند، انتخاب شدند و با برگزاری جلسات متعدد با آنها و با استفاده از ابزار مصاحبه عمیق و باز، اطلاعات لازم به دست آمد. پژوهشگر در این نوع مصاحبه، از سؤالات باز، هدایت مصاحبه‌ها، توجه به مسائل زمینه‌ای (معنا، فرآیند و زمینه)، همچنین تعامل جدی میان دوطرف مصاحبه و برقراری حس اعتماد بین طرفین، استفاده می‌کند (نورایی و ابوالحسنی، ۱۳۹۴: ۱۰۴). بر این مبناست که طبیعت مصاحبه‌های باز، اقتضا می‌کند پرسشنامه از پیش تعریف‌شده‌ای وجود نداشته است. این مصاحبه‌های باز، به شیوه بحث گروهی متمرکز، اجرا شد (مصاحبه‌ها، در یک بازه زمانی سه ماهه انجام شد و هر کدام از مصاحبه‌های یادشده، حداقل در مدت زمان ۱/۵ تا ۲ ساعت، به طول انجامید و در مواردی به جهت ناتمام ماندن موضوع، جلسات تکمیلی نیز برگزار شد). پژوهشگر پس از انجام مصاحبه‌ها، از روش تحلیل محتوا برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، استفاده کرد. در روند تحلیل محتوا؛ پس از استماع گفت‌وگوهای مصاحبه‌شوندگان، به بررسی محتوای آشکار و پنهان داده‌های به دست آمده پرداخته شده تا ارتباط درونی اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده داده‌ها، مشخص گردد و مقصود واقعی مصاحبه‌شوندگان درک شود. بدین منظور، پس از تهیه نوشتار و متن مصاحبه‌ها، گفته‌های اساسی و کلیدی، کدگذاری و دسته‌بندی شد. مقولات به دست آمده، به دو دسته مثبت و منفی، طبقه‌بندی شد و به کشف روابط و پیوندهای میان واژه‌ها و مفاهیم، اقدام شد که از گزاره‌های مثبت، حداقل دو نتیجه حاصل گردید: الف. مسائل و مشکلات بخش تعاون (در استان اصفهان)، ب. راهکارهایی جهت رفع موانع و مسائل بخش تعاون به منظور بهبود فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در تقویت اقتصاد مردم‌محور در نظام مردم‌سالاری دینی ایران.

گفتنی است با استفاده از سرخط‌های به دست آمده از مسائل و مشکلات بخش تعاون و با تلفیق مبانی نظری به دست آمده از: ۱. مطالعات پیشین مرتبط با این پژوهش، ۲. تجربیات

صاحب‌نظران در بخش‌های اقتصاد و سیاست‌گذاری عمومی، سرخط راهکارها برای رفع مسائل و مشکلات بخش تعاون، ارائه شد.

نکته مهمی که در این پژوهش، ضرورت آن احساس می‌شد و ناگزیر پژوهشگر باید به آن دست می‌یافت، چارچوبی نظری بود که بتواند متناسب با رویکردهای اسلامی-ایرانی پیشرفت، تدوین شود؛ به گونه‌ای که در جریان پژوهش، محقق دچار انحراف و یا تشتت نظری نشود؛ زیرا هر گونه نقص و یا کاستی در این جهت، می‌توانست به تحلیل داده‌ها و حتی گردآوری اطلاعات، آسیب برساند. دشواری دستیابی به یک چارچوب نظری پژوهش دقیق، عمدتاً ناشی از آن بود که نظریه‌های موجود سیاسی، اجتماعی و جامعه‌شناختی، مبانی غربی و سکولاری داشته‌اند و چنین رویکردهایی نمی‌تواند در پاسخگویی به نیازها و گفتمان جامعه دینی، کارآمد باشند. بر این مبنا، محقق، مدل پایه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را به عنوان یک مدل بومی‌سازی‌شده‌ای، به عنوان چارچوب نظری خود، در نظر گرفت و براساس سه گانه عدالت، عقلانیت و معنویت مستخرج از دیدگاه‌های رهبری جمهوری اسلامی ایران و مدلی که اقامه عدالت اجتماعی در اندیشه ایشان را مطرح کرده بود، پژوهش را انجام داد. در این چارچوب مدنظر قرار گرفته، هم به نظریه کلان (نظریه ناب اسلامی عدالت) و هم به نظریه‌های خرد عدالت، توجه شده است. در چارچوب یادشده، علاوه بر عدالت فردی، عدالت اجتماعی نیز به رسمیت شناخته شده است و جایگاه مشخص خود را دارد. مبتنی بر چنین رویکردی، یکی از اجزای مقوم عدالت در جامعه که می‌تواند پیشرفت را حادث نماید، شناسایی مطلوب، بهنگام و اصولی مطالبات اصناف و بخش‌ها هستند:



تصویر ۱: الگوی پایه که چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت قرار گرفته و مدل

اقامه عدالت در جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اندیشه رهبر انقلاب اسلامی

بحث اصلی و یافته‌های پژوهش

پژوهشگر با بهره‌گیری از مصاحبه‌های عمیق با صاحب‌نظران و فعالان بخش تعاونی در استان اصفهان، دریافته است که در گام اول حداقل ۱۹ سرخط از منظر صاحب‌نظران و فعالان این بخش، دارای اهمیت است که این موانع و مسائل، باید مورد توجه جدی قرار گیرد و در گام دوم، متناسب با جنس مانع و یا مسئله، موضوع را در سه حیطه تقنینی، اجرایی و نظارتی، پیگیری نمود. این سرخط‌ها که ارتقاء بخش تعاون و رسیدگی به امور تعاونی‌ها در سطح استان، منوط به توجه لازم به آنهاست، در تصویر (۱)، خلاصه شده است. سرخط‌های مطرح شده در تصویر، هر یک می‌تواند بر بروز مشکل یا مشکلات دیگر، تأثیرگذار باشد و در صورتی که آن مشکل مرتفع شود، زمینه حل مشکل یا مشکلات دیگر را پدید آورد. خطوطی که در تصویر یادشده، مشاهده می‌شود، بیانگر همین مفهوم است و به نوعی ارتباط میان سرخط‌ها و مسائل با یکدیگر را اشاره نموده است:



تصویر (۱): سرخط‌های ۱۹ گانه موانع و مسائل بخش تعاونی (نویسنده، ۱۳۹۷)

با بهره‌گیری از سرخط‌های مطرح در نمودار بالا و در یک طبقه‌بندی مبتنی بر جنس مطالبات بخش تعاون، می‌توان سرخط‌های ۱۹ گانه بدست آمده را در ۸ گروه اصلی، دسته‌بندی کرد که این گروه‌های ۸ گانه، به شرح زیر تشریح می‌شود:

۱. عدم اجرای اسناد بالادستی و قوانین بخش تعاون

مجموعه‌ای از قوانین داخلی و بین‌المللی وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران، متعهد و موظف به رعایت و اجرای آنهاست. از جمله:

• اصل ۴۳ قانون اساسی: در این اصل، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، به منظور تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، بر ضوابطی استوار است. براساس این اصل، تأمین نیازهای اساسی نظیر مسکن و تأمین شرایط کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال، در شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد، محقق می‌شود. در این اصل بر ممنوعیت تصدی‌گری دولت به صورت یک کارفرمای بزرگ و مطلق، تأکید شده است.

• اصل ۴۴ قانون اساسی: از نظر تدوین‌کنندگان قانون اساسی، تعاون یک شیوه است و یک نظام مالکیتی در برابر نظام مالکیت خصوصی و دولتی، محسوب نمی‌شود و این اصل، به شیوه مدیریت این بخش‌ها، عنایت نموده است.

• «بند ۱۵» اصل سوم قانون اساسی: با توجه به بند «۱۵» اصل سوم قانون اساسی، تعاون در ایران بر ارزش‌هایی از قبیل توسعه و تحکیم تعاون عمومی در فعالیت‌های اقتصادی، استوار است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

• قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی: در بند «۷» این قانون، در بخش تعاون بر پرهیز از مداخله دولت در امور اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها، تأکید شده است. همچنین براساس بند «ج» قانون مذکور، بر توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی، بر ایفای فعالیت‌های گسترده و اداره بنگاه‌های اقتصادی بزرگ، رعایت سیاست‌های کلی بخش تعاون در واگذاری‌ها، اختصاص ۳۰ درصد درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی، اعطای تسهیلات برای تقویت تعاونی‌ها، مشارکت شرکت‌های دولتی با بخش‌های غیردولتی از جمله تعاونی‌ها تا سقف ۴۹ درصد به منظور توسعه اقتصادی مناطق کم‌تر توسعه یافته، حائز اهمیت است (قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷).

• بیانیه اتحادیه بین‌المللی تعاون در خصوص ارزش‌ها و اصول تعاون: کنگره بین‌المللی تعاون در سال ۲۰۰۷ در این بیانیه اعلام نمود که تعاونی‌ها بر ارزش‌های خودیاری، مسئولیت‌پذیری، دموکراسی، برابری، انصاف و اتحاد استوارند و اعضاء به ارزش‌های اخلاقی صداقت، مسئولیت اجتماعی و توجه به دیگران، معتقدند (ساردوئی‌نسب، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

واقعیت آن است که قوانین و مقررات یادشده تا حد زیادی در اجرا و عملیات محقق نشده است؛ ساده‌ترین استدلال برای این ادعا، آن است که آمارهای رسمی کشور حاکی از آن است که سهم بخش تعاون در اقتصاد کمتر از میزان موردنظر در قوانین یادشده است. بر این اساس، باید سرخط عدم اجرای اسناد بالادستی و قوانین بخش تعاون را به‌عنوان یک نقطه ضعف، بپذیریم و برای آن، چاره‌اندیشی کنیم.

۲. عدم نظارت دقیق بر بخش تعاون

یکی از نقاط ضعف موجود در کشور که بخش قابل توجهی از تعاونی‌ها در عمل با آن درگیر هستند و به نوبه خود، موجب برخی ضعف‌ها و نابسامانی‌ها شده است، عدم نظارت دقیق و مؤثر بر بخش تعاون است. این نظارت هم ابعاد بیرونی و هم ابعاد درون تعاونی‌ها را دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر، هم درون تعاونی‌ها، مقوله نظارت آنگونه که شایسته است مورد توجه واقع نشده و هم از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سایر نهادهای اداری و دولتی که به تعاونی‌ها مجوز فعالیت اعطاء می‌کنند، توجه نشده است. به همین دلیل

است که ایجاد نابسامانی، تخلف و ناکارآمدی در بخشی از بدنه تعاون کشور، پدید آمده که این نابسامانی‌ها بر سایر فعالان بخش تعاونی نیز تأثیرات سوء داشته است.

۳. عدم همکاری همه‌جانبه نهادها و سازمان‌ها با تعاونی‌ها و بخش تعاون

آنگونه که قانون اساسی جایگاه تعاون را مشخص نموده، این نهاد، از منزلت قابل توجهی برخوردار شده است که علاوه بر ابعاد اقتصادی، سایر عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و همه ابعادی که توسعه و پیشرفت را شامل می‌شود، از آن متأثر می‌شوند. این در حالی است که متناسب با این رسالت، تجهیز و ساماندهی سایر نهادها و سازمان‌ها برای همکاری و تقویت مؤثر تعاونی‌ها صورت نگرفته است. این تجهیز، تشویق و ریل‌گذاری‌ها، می‌تواند عرصه‌های متعددی را شامل شود: عرصه قانونگذاری، عرصه نهادسازی، عرصه ذهنی و افکار عمومی و عرصه مدیریتی و اجرایی از جمله ساحت‌هایی است که باید در این جهت، مورد توجه ویژه قرار گیرد. این در حالی است که حتی اصلی‌ترین ساختار مرتبط با تعاون در کشور که وظیفه ساختارسازی و تقویت تعاونی‌ها و گسترش آنها را بر عهده داشته است، در سال‌های اخیر از نظر رتبه‌بندی ساختاری، مشمول تقلیل جایگاه شده و از سطح وزارتخانه به یک معاونت در وزارتخانه‌ای دیگر، تنزل رتبه اداری داشته است که البته می‌توان این مورد اخیر را به‌عنوان یکی از سرخط‌های مرتبط با مشکلات تعاونی‌ها، به صورت مستقل ذکر نمود.

۴. تنزل وزارت تعاون به یک معاونت در وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی

در مقطعی از زمان، وزارت تعاون به‌عنوان یک ساختار مستقل متولی بخش تعاون شکل گرفت که بعداً در نتیجه تصمیم‌گیری‌های دولتی و با نظر مجلس شورای اسلامی، این وزارتخانه، با وزارتخانه‌ای دیگر، ادغام شد. همین امر سبب گردید تا ادارات کل تعاون در سطح استان‌های کشور، در عمل برچیده شود و در حد یک معاونت در اداره کل، وزارتخانه - ای دیگر، تقلیل رتبه دهد. همین امر سبب شده است تا تصمیم‌گیری‌ها، سیاستگذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، صدور مجوزها، امور نظارتی و ...، با قوت موردنیاز این بخش، همراه نباشد. این موضوع، سبب شده است تا تفکیک‌ها و تقسیم‌بندی‌های متناسب برای رسیدگی جامع به مباحث مرتبط با بخش تعاون و تعاونی‌ها، انجام نگیرد که یکی از اساسی‌ترین آنها، در مبحث بعدی، ذکر می‌شود.

۵. عدم تفکیک تعاونی‌های تولیدی، توزیعی و خدماتی

به‌رغم تفاوت‌های قابل توجهی که میان جنس فعالیت تعاونی‌های تولیدی، تعاونی‌های توزیعی و تعاونی‌های خدماتی وجود دارد، همچنان مفهوم تعاونی به‌عنوان یک مفهوم کلی

به کار می‌رود؛ در حالی که با توجه به اقتضائات هر یک، باید با نگاهی تخصصی‌تر هم در زمینه ساختار و نهادسازی و هم مقررات و امور نظارتی مرتبط با هر یک، اقدامات متناسب انجام پذیرد. همچنین میان تعاونی‌ها و بخش خصوصی در مواردی که خدمات یکسانی ارائه می‌کنند، برخی تفاوت‌ها در مقررات و یا آیین‌نامه‌ها، وجود دارد که مانع از رقابت صحیح می‌شود و عملاً در برخی موارد تعاونی‌ها، محکوم به ترک صحنه رقابت خواهند بود؛ مثلاً تبعیض بین تعاونی‌ها و بخش خصوصی در ارائه گزارش، یکی از مصادیق آن است.

۶. عدم رسیدگی همه‌جانبه در خصوص مشکلات فراگیر مرتبط با تعاونی‌ها

تعاونی‌های کشور، هر یک متناسب با حیطه فعالیت، نیازها، مطالبات و یا مسائل و موانع خاصی را دارند؛ لیکن، برخی از امور به صورت فراگیر، همه تعاونی‌ها را با خود درگیر نموده و فارغ از اینکه هر تعاونی، در چه حیطه‌ای عمل می‌کند، در این موضوعات مطالبه دارند. اهم این موارد عبارتند از:

- مالیات، مالیات بر ارزش افزوده و به طور کلی امور مرتبط با وزارت اقتصاد و دارایی

- مطالبات، مشکلات و امور مرتبط با بیمه اعضای تعاونی‌ها
- مشکلات مرتبط با تأمین مالی و ارتباط با بانک‌ها

۷. نبود اتاق فکر برای فهم عمیق موانع و مسائل تعاونی‌ها، آینده‌پژوهی و مدیریت صحیح‌تر به‌ویژه مدیریت بحران

۸. سوء استفاده از تعاونی‌ها نظیر ایجاد تعاونی‌های صوری و یا تلاش‌هایی که در راستای پولشویی، انجام می‌شود.

بررسی مفاد ۱۹ گانه و ۸ گانه پیش گفته، نشان می‌دهد که موارد مطرح شده در سه حیطه الف. تقنینی، ب. اجرایی، ج. نظارتی، قابلیت طبقه‌بندی دارند که این طبقه‌بندی می‌تواند زمینه دستیابی به راهکار را تسهیل نماید. بر این اساس، در خصوص مفاد ۸ گانه مطرح شده، جدول زیر قابل ارائه است:

جدول (۱): طبقه‌بندی موانع و مسائل تعاونی‌ها براساس سه حیطه تقنینی، اجرایی و نظارتی (نویسنده، ۱۳۹۷)

موانع و مسائل ۸ گانه بخش تعاون	حیطه موانع و مسائل ۸ گانه بخش تعاون
۱. عدم اجرای اسناد بالادستی و قوانین بخش تعاون	اجرایی - نظارتی
۲. عدم نظارت دقیق بر بخش تعاون	نظارتی
۳. عدم همکاری همه‌جانبه نهادها و سازمان‌ها با تعاونی‌ها و بخش تعاون	اجرایی - نظارتی

تقنینی-اجرایی	۴. تنزل وزارت تعاون به یک معاونت در وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی
تقنینی-اجرایی	۵. عدم تفکیک تعاونی‌های تولیدی، توزیعی و خدماتی
اجرایی	۶. عدم رسیدگی همه‌جانبه در خصوص مشکلات فراگیر مرتبط با تعاونی‌ها
اجرایی	۷. نبود اتاق فکر برای فهم عمیق موانع و مسائل تعاونی-ها، آینده‌پژوهی و مدیریت صحیح‌تر به‌ویژه مدیریت بحران
اجرایی	۸. سوءاستفاده از تعاونی‌ها نظیر ایجاد تعاونی‌های صوری و یا تلاش‌هایی که در راستای پولشویی، انجام می‌شود.

نتیجه‌گیری و ارائه راهکار

جمهوری اسلامی ایران که در اثر انقلاب اسلامی، جایگزین ساختارهای سکولاری، لیبرالی و به طور کلی، غیراسلامی حکمرانی شده است، ساختارهای جدیدی را متناسب با اهداف اسلامی حکومت، تأسیس نمود و برای اینکه بتواند در عرصه اجرایی و عملیاتی، برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی، قانونگذاری و نظایر آن، رویکرد حکومت دینی مبتنی بر اسلام را اجرا نماید، ضرورتاً می‌بایست در عرصه سیاستگذاری عمومی، مردم‌سالاری دینی (به‌عنوان یکی از ارکان الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت) را در ایران محقق سازد؛ به گونه‌ای که در میان مدت، جامعه‌سازی و حکمرانی متمایزی به‌عنوان الگو، قابل ارائه باشد. یکی از ضرورت‌های چنین جامعه‌ای، پاسخگویی به مطالبات بخش‌های مختلف جامعه است و در گام اول، لازمه پاسخگویی به مطالبات، شناسایی آنها است. بر این اساس، بخش تعاون، به‌عنوان یک بخش مهم و کلیدی در فرآیند توسعه و پیشرفت اقتصادی کشور، حائز اهمیت است.

تعاون و بخش تعاونی از دو منظر اصلی، حائز اهمیت است: اول آنکه ساختار جامعه ما به گونه‌ای است که ترویج فرهنگ تعاونی، می‌تواند مشارکت عمومی را به همراه آورد؛ به‌طور مشخص، سطح سواد، میزان توانمندی افراد جامعه، مهارت‌های متنوع در سطوح مختلف، منابع مالی اقشار مختلف، توزیع جغرافیایی شهرها و روستاها و جمعیت ساکن در آنها، تمایل افراد به مشارکت جمعی و مسئولیت‌پذیری و مواردی از این دست، اقتضاء می‌کند تا برای ایجاد هم‌افزایی و به حداکثر رساندن بهره‌وری و نیز رشد مردم‌سالاری دینی،

موضوع تعاون (به عنوان یکی از زمینه های تحقق اقتصاد مردم محور) که علاوه بر اقتصاد، سایر عرصه های اجتماعی و فرهنگی و نظایر آن را نیز تحت الشعاع قرار می دهد، را در بالاترین سطوح، برنامه ریزی، ترویج و ساماندهی شود. چنین توجهی می تواند علاوه بر کارآمدتر کردن دارایی های محدود، به شکل گیری هویت های جدید منتهی شود و قدرت های جدید اقتصادی، اجتماعی را حادث نماید. در چنین روندی است که اقشار مختلف جامعه (کارگران، کشاورزان، زنان، اهالی فرهنگ و ...) می توانند با تجهیز و تمرکز سرمایه ها اعم از اقتصادی و انسانی، از قدرت چانه زنی افزون تری برای حمایت از منافع خودشان، بهره مند شوند؛ کاهش هزینه های تولید و افزایش سود و دستیابی به جریان تأمین منافع برای اعضا و همچنین گسترش مبادلات و هم افزایی حداکثری در عرصه های مختلف که متناسب با نوع و جهت گیری تعاونی ها به دست می آید، همگی روند رشد و پیشرفت جامعه را تسریع می نماید. دوم آنکه، مبحث تعاون و جایگاه آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فراتر از یک موضوع صرف اقتصادی، به موضوع تعاون نگریسته شده است؛ همانگونه که در نظام مردم سالاری دینی، اقتصاد، صرفاً وسیله است و نه هدف و اصولاً در دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام مردم سالاری دینی، «برنامه اقتصاد اسلامی، فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت های متفاوت انسانی است و بدین جهت، تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او، بر عهده حکومت اسلامی است» (مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، واضح است که نقشی که تعاونی ها و به طور کلی تعاون و ساختارها و تأسیسات مرتبط با آن می تواند داشته باشد، نقشی بی بدیل است که نظام مردم سالاری دینی، قطعاً باید در جهت آن، گام های اساسی بردارد و مباحثی نظیر حق رأی و مفاهیم مرتبط با آن، تأمین مالی، مدیریت و کارآمد ساختن آن در عرصه فعالیت های تعاونی، چالش ها و فرصت های مهمی است که دولت ایران در ساختار کلان مردم سالاری دینی، باید برای آن با بهره گیری از ابزار سیاست گذاری عمومی و سایر ابزارها، اقدام متناسب انجام دهد. در این پژوهش، مشکلات بخش تعاون، ارائه شد؛ متناظر با هر یک از موانع و مسائل مطرح شده که تحت عنوان موارد ۱۹ گانه و ۸ گانه در متن پژوهش، طرح گردید، راهکار یا راهکارهایی ارائه شد. خلاصه ای از فهرست مرتبط که در برگیرنده راهکارهای عملی برای حل مشکلات بخش تعاونی باشد، عبارتند از:

راهکار اول:

ایجاد عزم ملی در بالاترین سطوح سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در کشور برای تحقق منویات و اهداف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جهت تحقق تعاون در کشور از طریق فعال‌نمودن: الف. مجلس شورای اسلامی، ب. هیأت دولت.

پیشنهاد اول:

پیشنهاد می‌شود در مجلس شورای اسلامی، کمیسیونی تخصصی با عنوان «کمیسیون تعاون»، شکل بگیرد. این کمیسیون می‌تواند متناسب با نیازهای بخش تعاون، کمیته‌ها و زیرمجموعه‌های موردنیاز را تأسیس نماید.

پیشنهاد دوم:

پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه ممکن است براساس آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، تشکیل کمیسیون تخصصی، روند تصویب طولانی‌ای داشته باشد، تا آن زمان نسبت به تشکیل کمیته‌های اختصاصی تعاون در کمیسیون‌های موجود مجلس که با مبحث تعاون ارتباط دارند نظیر کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی، کمیسیون اقتصادی، کمیسیون اجتماعی و ...، کمیته تخصصی شکل بگیرد تا تعاونی‌های مرتبط با هر یک از این کمیسیون‌ها را پیگیری نماید.

پیشنهاد سوم:

پیشنهاد می‌شود دولت تجربه‌ای که قبلاً در خصوص وزارت تعاون وجود داشت را تکرار کند و بار دیگر، نسبت به تأسیس وزارت تعاون، اقدام نماید.

راهکار دوم:

تنقیح قوانین مرتبط با بخش تعاون از سوی کمیسیون‌های تخصصی مجلس و نیز اداره قوانین و سایر بخش‌های مرتبط در مجلس شورای اسلامی و تهیه گزارشی مبنی بر میزان اجرای اسناد بالادستی و تعیین دقیق قوانین و مصوبات معطل مانده و یا اجرا نشده مربوط به بخش تعاون.

راهکار سوم:

تأسیس اتاق فکر اختصاصی برای بخش تعاون در سطح ملی که می‌تواند ابعاد استانی هم داشته باشد؛ به گونه‌ای که علاوه بر کارهای فکری- پژوهشی، قدرت دستوردهی و نفوذ لازم برای حل مشکلات را داشته باشد.

راهکار چهارم:

به حداکثر رساندن نظارت بر فعالیت‌های تعاونی‌ها از طریق: الف. ساختار قضائی ویژه تعاون (دادگاه ویژه تعاون در قوه قضائیه و در صورت نیاز ایجاد شورای حل اختلاف مختص بخش تعاونی متناسب با حیطه اختیاراتی که قوه قضائیه بر عهده دارد و در راستای نظارت و رسیدگی تخصصی‌تر به مسائل تعاون و تعاونی‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای، استانی و محلی)، ب. فعال‌تر نمودن نظارت از طریق نهادهایی که ذاتاً مسئولیت نظارتی بر عهده دارند نظیر وزارت اطلاعات، سازمان بازرسی کل کشور با شکل‌گیری کارگروه‌های تخصصی مرتبط با بخش تعاون در عرصه‌های مالی، تولیدی، خدماتی و ...

راهکار پنجم:

با توجه به اهمیت و چندبعدی بودن بخش تعاون و ضرورت توسعه حداکثری آن، در بودجه سالیانه و برنامه‌های پنج‌ساله، مباحث مرتبط با بخش تعاون با رویکردی تخصصی‌تر و دقیق‌تر ناظر بر فعال‌تر شدن و کارآمدتر شدن، تعاونی‌ها، مورد توجه قرار گیرد. بدین منظور، پیشنهاد می‌شود در سازمان برنامه و بودجه کشور، بخش ویژه‌ای برای مبحث تعاون شکل گیرد تا بتواند وزن بخش تعاون در اسناد سالیانه و پنج‌ساله یادشده را متناسب روح و تکلیف قانون اساسی، ارتقاء بخشد.

منابع و مآخذ:

- امرائی، حسن. (۱۳۸۸). **مهندسی سیاست**. تهران: شوکا.
- پهلوانی، مصیب، کریم، محمدحسین و قربانی، حسین. (۱۳۸۸). «بررسی و نظرسنجی درباره مشکلات و توانمندی‌های بخش تعاون در استان سیستان و بلوچستان». **فصلنامه روستا و توسعه**. سال یازدهم، شماره ۱. صص: ۱۰۱-۱۲۹.
- تراب‌زاده جهرمی، محمدصادق و سجادی، سیدعلیرضا و سرآبادانی تفرشی، حسین. (۱۳۹۶). **فهم جوهره اندیشه حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در عرصه عدالت**. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹/۰۹/۱۰). **بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»**.
- رشیدی، علی. (۱۳۷۷). **اقتصاد مردم‌سالار: بستر رشد جامعه مدنی**. تهران: آوای نور.
- رشیدی، علی. (۱۳۸۱). «تأمین اجتماعی در اقتصاد مردم‌سالار». **فصلنامه رفاه اجتماعی**. شماره ۵.
- ساردوئی‌نسب، محمد. (۱۳۸۸). «نگرشی بر مبانی نظری حقوق تعاون در ایران». **فصلنامه حقوق خصوصی**. شماره پانزدهم. صص: ۱۳۱-۱۶۲.
- **سایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی** به نشانی: www.Mcls.gov.ir
- شیرانی، علیرضا. (۱۳۶۸). **اقتصاد تعاون**. تهران: وزارت تعاون.
- طوسی، محمدعلی. (۱۳۷۲). «پیوندهای مردم‌سالاری و رشد اقتصادی». **نشریه تدبیر**. شماره ۳۷.
- **قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**. (۱۳۸۷). گردآوری و تنظیم یوسف رونق؛ [برای] موسسه توسعه و بهبود مدیریت. تهران: فرمنش.
- **مجلس شورای اسلامی**. (۱۳۸۷). **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا و کمالی، یحیی. (۱۳۹۵). «بررسی مفاهیم پارادایم، مرجعیت و ائتلاف حامی در تحلیل سیاستگذاری عمومی». **فصلنامه سیاست**. شماره ۱. صص: ۲۶۵-۲۸۵.
- مهاجرنیا، محسن. (۱۳۸۲). «مردم‌سالاری دینی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری». **چکیده مقالات همایش مردم‌سالاری دینی**، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- نورایی، مرتضی و ابوالحسنی ترقی، مهدی. (۱۳۹۴). **تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران ۱۳۸۵-۱۳۵۸**. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- نوروزی، محمدجواد. (۱۳۸۲). «نظریه مردم‌سالاری دینی در قیاس با دمکراسی غربی». **چکیده مقالات همایش مردم‌سالاری دینی**، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- یوسفی، محمدعلی. (۱۳۹۳). «مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی؛ بستر تولید ملی پایدار عدالت‌محور». **فصلنامه اقتصاد اسلامی**. شماره ۵۳. صص: ۵۷-۸۳.